



Volume 3, Issue 1, 2023

The Principle of Passive Personal Jurisdiction in the Criminal Law of Iran and the United Kingdom in the Line of International Documents

Bahram Malekpour¹, Hassan Hajitabar Firoozjaei^{*2}, Mohammad Nabipour³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Shomal University, Amol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-15

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000- 0003-2156-1344

TELL: +989112158173

Email: Hajitabar@yahoo.com

Article history:

Received: 01 Dec 2022

Revised: 28 Jan 2023

Accepted: 05 Feb 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

*Passive Personal
Jurisdiction, Victim,
Citizenship, Punishment.*

ABSTRACT

The principle passive personal competence, as one of the principles of jurisdiction governing criminal law applies when a crime is committed against a citizen outside the territory of a country. In this paper, with using of descriptive-analytical and library methods and by study and adaptation around the principle of passive personal jurisdiction in the criminal law of Iran and the United Kingdom and by looking at international documents, the following results have been obtained: firstly, in Iranian criminal law, the principle of passive personal jurisdiction is accepted for all crimes in accordance with the conditions and arrangements, but in British criminal law, it is accepted just for only some very important crimes, including hostage-taking and various aspects of terrorism, such as murder, Kidnapping, the use of explosives. Secondly, there are differences in the criminal law of Iran and the United Kingdom based on the terms of the conditions for the realization of this principle. Such as, in Iranian criminal law, the conditions of No previous consideration and non-implementation of double punishment in case of some crimes such as Qesas, Diat and Tazir are not accepted by the legislator, and However, in British criminal law, these conditions apply to all offenses under this principle. Thirdly, the condition of trial in absentia in the application of this principle is not accepted in the laws of both countries. Therefore, in terms of the application of this principle, the position of the UK criminal justice system is more in line with international instruments.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Malekpour, B; Hajitabar Firoozjaei, H & Nabipour, M (2023). "The Principle of Passive Personal Jurisdiction in the Criminal Law of Iran and the United Kingdom in the Line of International Documents" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(1): 1-15.



دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

مطالعه تطبیقی اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی

بهرام ملک پور^۱، حسن حاجی‌تبار فیروزجایی^{۲*}، محمد نبی‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شمال، آمل، ایران.

چکیده

اصل صلاحیت شخصی منفعل به‌عنوان یکی از اصول صلاحیتی حاکم بر قوانین کیفری، هنگامی اعمال می‌گردد که جرم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت یک کشور، علیه تبعه آن واقع شده باشد. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای و با بررسی و تطبیق پیرامون این اصل در حقوق جزای ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی، چنین نتایج حاصل شده است که اولاً در حقوق جزای ایران، اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل با رعایت شرایط و ترتیباتی درخصوص کلیه جرایم مورد پذیرش قرار گرفته است ولی در حقوق جزای انگلستان چنین صلاحیتی صرفاً درخصوص برخی از جرایم بسیار مهم از جمله گروگان‌گیری و جنبه‌های مختلف تروریسم مثل قتل، آدم‌ربایی، استفاده از مواد منفجره، پذیرفته شده است. ثانیاً از لحاظ شرایط تحقق این اصل تفاوت‌هایی در حقوق جزای دو کشور ایران و انگلستان وجود دارد از جمله این‌که در حقوق جزای ایران شرایط عدم رسیدگی قبلی و عدم اجرای مجازات مضاعف درخصوص جرایم مستوجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی مورد پذیرش قانون‌گذار نبوده و در این جرایم بدون قید و شرط ولی در جرایم تعزیرات غیرمنصوص شرعی با قید و شرط مورد پذیرش قرار گرفته‌است، لیکن در حقوق جزای انگلستان این شروط مشمول کلیه جرایم تحت این اصل می‌باشد. ثالثاً شرط محاکمه غیابی در اعمال این اصل در قوانین هر دو کشور مورد پذیرش نمی‌باشد. بنابراین از حیث شرایط اعمال این اصل، موضع نظام عدالت کیفری انگلستان با اسناد بین‌المللی مطابقت بیشتری دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۳۴۴-۲۱۵۶-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۱۲۱۵۸۱۷۳+

ایمیل: Hajitabar@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

صلاحیت شخصی منفعل، مجنی‌علیه، تابعیت، مجازات.



مقدمه

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، صلاحیت، نتیجه‌ای است که از حاکمیت سرزمینی عاید می‌شود. منظور از حاکمیت سرزمینی، حقی است که به موجب آن یک دولت رسالت دولت بودن خویش را اعمال می‌کند و می‌تواند سایر کشورها را از دخالت در امور خود باز دارد که این حق حاکمیت سراسر وسعت خاک، زیر بستر خاک، آب‌های موجود در زیر بستر خاکی، خاک واقع در زیرآب، سواحل متصل به خاک تا محدوده‌ای معین و فضای بالای وسعت خاکی و بالای دریای سرزمینی را فرا می‌گیرد. بنابراین، صلاحیت یک دولت به توانایی آن بر حکومت، بر اشخاص و اموال به موجب نظام داخلی برمی‌گردد (والاس، ۱۳۷۸: ۱۸۰) که به اصل صلاحیت سرزمینی^۱ نیز معروف است.

اما به موازات توسعه ارتباطات، علوم و پیشرفت در صنعت حمل و نقل، پدیده مجرمانه نیز دچار تحول شده و امکان اینکه مجرم به راحتی از کشور محل وقوع جرم فرار کند و در کشورهای دیگر به ادامه فعالیت‌های مجرمانه بپردازد، آسان‌تر شده است. با توجه به اینکه اصل صلاحیت سرزمینی به تنهایی برای تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین کافی نمی‌باشد و نیز ضرورت برقراری حفظ نظم داخلی و بین‌المللی ایجاب می‌کند که به‌منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم گسترده در داخل و به‌ویژه در خارج از قلمرو حاکمیت و عدم تمایل افراد به ارتکاب جرم، کشورها بتوانند صلاحیت خود را به خارج از قلمرو حاکمیت توسعه دهند. زیرا در غیراین‌صورت باعث بی‌نظمی، بی‌عدالتی و نیز بی‌مجازات ماندن مجرمین، که مغایر با اهداف حقوق جزای بین‌الملل است، خواهد شد. بنابراین، پیش‌بینی اصول صلاحیتی دیگر برای رفع محدودیت‌های وارده بر اعمال اصل صلاحیت سرزمینی ضرورت دارد که نقطه اشتراک کلیه این اصول، گسترش دامنه قوانین جزایی یک کشور به خارج از قلمرو حاکمیت آن می‌باشد. یکی از این اصول، اصل صلاحیت شخصی است،

که خود دارای دو جنبه فعال و منفعل می‌باشد. جنبه منفعل آن، که به اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه نیز نامیده می‌شود، عبارت است از صلاحیت دادگاه‌های یک کشور به جرمی که در خارج از قلمرو حاکمیت آن توسط یک خارجی علیه یکی از اتباع آن ارتکاب یافته باشد. در این نوشتار، جنبه منفعل اصل صلاحیت شخصی از دیدگاه قانون‌گذاری و قضایی در حقوق جزای ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است.

بنابراین پرسش‌های اساسی پیرامون موضوع نوشتار این است که وضعیت حقوق جزای ایران از حیث مصادیق و شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل در مقایسه با حقوق جزای انگلستان و اسناد بین‌المللی چگونه است؟ آیا رسیدگی به جرایم موضوع این اصل در دادگاه‌های صالح کشور غیراز محل وقوع جرم از موارد منع محاکمه مجدد در محاکم دو کشور ایران و انگلستان می‌باشد؟ شرط محاکمه غیابی درخصوص جرایم موضوع این اصل در حقوق جزای دو کشور چگونه است؟

علیرغم اینکه تحقیقاتی در زمینه اصل صلاحیت شخصی منفعل صورت گرفته‌است، اما با این وجود، در هیچ‌یک از مقالات و تحقیقات پیشین به‌ویژه به تطبیق اصل مزبور در نظام حقوقی ایران و انگلستان به صراحت پرداخته نشده‌است؛ به عبارت دیگر در هیچ‌یک از تحقیقات قبلی، موضوع از منظر حقوق جزای انگلستان و قوانین مربوطه بررسی نشده است. از این‌رو، پرداختن به موضوع در این نوشتار ضرورت دارد. نگارنده‌گان در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای برآنند تا ابتدا به منابع قانونی، مبانی و سپس شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی پرداخته شود.

۱- مفهوم و مبنای اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل

عمده‌ترین مبنایی که برای این اصل ذکر شده، حمایت از اتباع است. اما می‌توان ضرورت مبارزه با بی‌کیفری مرتکبین

^۱ - Territoriality Principle

منفعل یکی از اصول لازم برای اجتناب از بی‌مجازات ماندن مجرمین می‌باشد.

۱-۳- حمایت از منافع ملی

یکی دیگر از مبانی اصل صلاحیت شخصی منفعل، حمایت از منافع ملی است، که از وظایف اساسی هر دولت به حساب می‌آید. هرگاه جرمی علیه اتباع یک کشور ارتکاب یابد، به نوعی حیثیت و اعتبار آن کشور نیز جریحه‌دار می‌گردد. (دوندیو، ۱۳۶۸: ۱۰۶؛ علی‌آبادی، ۱۳۷۰: ۱۵۰/۳). لذا در این مورد دولت به حمایت از خود نیز برمی‌خیزد و این اصل با اثر ارعابی خود از وقوع بسیاری از جرایم علیه اتباع یک کشور جلوگیری می‌کند. همچنین، حمایت از منافع کشور شامل حمایت از شخصیت حقوقی از جمله شرکت‌های تجاری نیز می‌باشد که براساس قوانین تجاری هر کشوری، از همه حقوقی که اشخاص حقیقی دارا هستند، برخوردارند، لذا چنانچه در خارج از کشور متبوع، بزه‌دیده واقع شوند، مثلاً چنانچه اموال یک شرکتی توسط یک فرد خارجی به سرقت برده شود یا مورد تخریب مجرمانه قرار گیرد، بزه‌کاران خارجی با شرایط مقرر قانونی براساس اصل صلاحیت شخصی منفعل در کشور متبوع مورد تعقیب کیفری و محاکمه قرار خواهند گرفت. (شاکری و خان‌احمدی، ۱۳۹۵: ۷۵).

۲- جایگاه قانونی اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی

به‌منظور آشنایی بیشتر با اساس اجرای اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای دو کشور ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی قوانین و مقررات مربوطه در این زمینه به‌عنوان جایگاه قانونی، اصل صلاحیت شخصی منفعل ارائه می‌گردد.

۲-۱- در حقوق جزای ایران

قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸، اولین قانون مبنی بر پذیرش اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق ایران

جرایم و حمایت از منافع ملی را نیز به‌عنوان مبانی دیگر برای این اصل ذکر کرد.

۱-۱- حمایت از اتباع

حمایت از اتباعی که در خارج از قلمرو حاکمیت کشور به سر می‌برند، دارای اشکال گوناگون و درجات متفاوتی است. گاهی این حمایت، غیرکیفری است که از طریق اقدامات سیاسی و کنسولی دفاتر نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی که در کشورهای دیگر مستقر هستند، انجام می‌شود و در پاره‌ای موارد لازم است این حمایت به صورت جدی‌تر و شدیدتر انجام گیرد. بر همین اساس گفته شده‌است حمایت از اتباع وظیفه دولت است. بنابراین در هر نقطه از جهان، جرمی نسبت به تبعه دولتی صورت گرفته باشد، رسیدگی به آن جرم تابع قانون کیفری آن دولت است (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۴). لذا حمایت از اتباع یکی از مبانی اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل محسوب می‌گردد.

۱-۲- ضرورت مبارزه با بی‌کیفری مرتکبین جرایم

به‌منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مرتکبین جرایم، اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل ضروری به نظر می‌رسد. زیرا در ارتکاب چنین جرایمی دولت‌های محل وقوع جرم و متبوع مجرم، تمایلی به رسیدگی و استرداد مجرم ندارند. در این میان، تنها کشور متبوع مجنی‌علیه بیشترین نفع را از مجازات مجرم می‌برد. بنابراین ضروری است که، صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته‌باشد (میرمحمدصادقی و ایزدیار، ۱۳۹۲: ۱۵). به‌عنوان مثال می‌توان گفت در جریان ربوده شدن امام موسی صدر که تبعه ایران بود، با توجه به موقعیت متهمان احتمالی، امکان رسیدگی به این جرم در لیبی فراهم نبود و دادگاه‌های ایران نیز از نظر قانونی صلاحیت رسیدگی را نداشتند، این فقدان نه تنها سبب بی‌کیفری، بلکه سبب عدم امکان جمع‌آوری دلایل و عدم شناسایی متهمان و حتی عدم اطلاع از سرنوشت قربانیان شد، به‌نحوی که تا به حال نیز جنبه‌های قضایی این واقعه در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). بنابراین پذیرش اصل صلاحیت

می‌باشد. براساس ماده ۳۱ این قانون: «در صورتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز جنحه یا جنایتی علیه تبعه ایران واقع شود، رسیدگی به جرم مزبور با محاکم ایران خواهد بود. دادگاه محلی که هواپیما فرود آمده یا دادگاه محل دستگیری متهم صالح به رسیدگی می‌باشد.» در قانون الحاق ایران به کنوانسیون مربوط به جرایم و برخی اعمال ارتكابی در هواپیما مصوب ۱۳۵۵ نیز طبق بندهای «الف» و «ب» ماده ۱ این کنوانسیون، مقررات کنوانسیون مزبور را نسبت به جرایم و اعمالی که متضمن ارتكاب جرم مخاطره‌آمیز برای هواپیما باشد، مجری می‌داند. ماده ۴ این کنوانسیون نیز در مورد صلاحیت اعلام می‌کند، «دولت متعه‌دی که دولت ثبت‌کننده هواپیما نباشد نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتكابی در داخل هواپیما، در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد مشروحه ذیل: ... ب- جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتكاب یافته باشد» که در این بند به اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل تأکید شده است.

همچنین براساس بند «ج» ماده ۳ قانون الحاق ایران به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک مصوب ۱۳۵۷، به کشورهای طرف کنوانسیون در مواردی اجازه اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل داده می‌شود، از جمله: «هنگامی که ارتكاب جرم علیه شخص مورد حمایت بین‌المللی، موضوع ماده ۱، که وضع خود را به اعتبار انجام وظایف محوله از طرف کشور مذکور تحصیل نموده‌است، واقع گردد». از آنجا که غالباً دولت‌ها تنها به اتباع مورد اعتماد خویش وظایف خارجی را با داشتن مصونیت سیاسی محول می‌نمایند، بنابراین اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل عملاً تنها درخصوص اتباع اعمال می‌گردد هرچند درخصوص غیراتباع ایران که شرایط مذکور در بند «ج» ماده ۳ را داشته باشند نیز قابل اعمال می‌باشند.

مطابق بند ۲ ماده ۱۳ قانون موافقت‌نامه کشتیرانی تجاری دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری

بلغارستان مصوب ۱۳۷۲، «مقامات صلاحیت‌دار یکی از طرفین متعاقد نمی‌باید در امور کیفری مربوط به جرایمی که در عرشه کشتی تحت پرچم طرف متعاقد دیگر به هنگام توقف در بندر روی دهد، اعمال صلاحیت کیفری نمایند مگر در موارد ذیل: ... د- هنگامی که افراد خارج از خدمه کشتی در جرم مزبور دخالت کنند یا جرم توسط اتباع دولت پذیرنده یا علیه آنان صورت گرفته باشد» به نظر می‌رسد در این بند، با توجه به اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل به دلیل بزه‌دیده واقع شدن تبعه ایرانی دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم را دارند. همچنین دولت ایران موافقت‌نامه دیگری نیز در زمینه کشتی‌رانی تجاری دریایی با دولت اوکراین در سال ۱۳۷۴ تصویب نمود، این موافقت‌نامه نیز در بند ۲ ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: «مقامات صلاحیت‌دار هریک از دو طرف متعاقد نباید در امور کیفری مربوط به جرایمی که در عرشه کشتی تحت پرچم طرف دیگر به هنگام توقف در بندر روی می‌دهد، خود را واجد صلاحیت کیفری بدانند مگر در موارد زیر ... و به هنگامی که جرم توسط اتباع کشور پذیرنده، یا علیه ایشان ارتكاب یافته باشد.» همانگونه که ملاحظه می‌گردد، موافقت‌نامه‌های فوق اصل صلاحیت شخصی چه از نوع فعال و هم منفعل را پذیرفته‌اند.

در راستای اجرای اصل صلاحیت شخصی منفعل، بند ۲ ماده ۴ قانون الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان مصوب ۱۳۸۶ نیز مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو می‌تواند اقداماتی را که ممکن است برای احراز صلاحیت قضایی خویش در مورد جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ ضروری باشد در موارد زیر به عمل آورد: ... ب- چنانچه قربانی تبعه آن کشور باشد.»

ماده ۲۸ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز در مقام بیان صلاحیت کیفری محاکم ایران به هر دو حالت فعال و منفعل صلاحیت شخصی اشاره کرده‌است. اما این ماده با تصویب

۱- جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ عبارت است از: الف- فروش کودکان، ب- عرضه، ابتیاع، تحصیل یا تدارک کودک به منظور فحشاء کودک، پ- تولید، توزیع، انتشار، ورود، عرضه، فروش مالکیت یا هرزه‌نگاری کودک برای مقاصد فوق.

جرائم پذیرفته و دادگاه‌های ایران را صالح به رسیدگی می‌داند. لیکن با توجه به بندهای «الف» و «ب»، قانون‌گذار به اعمال قید و شرط درخصوص جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی تأکید داشته و شروط عدم محاکمه مجدد و عدم اجرای مجازات درخصوص جرائم مستوجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی پذیرفته نشده است. بنابراین دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به جرائم مستوجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی بدون قید و شرط صالح بوده و درخصوص جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی از جمله جرائم خفیف و ساده با قید و شرط صالح به رسیدگی می‌باشند.

۲-۲- در حقوق جزای انگلستان

برخی از قوانین و مقررات مرتبط با اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای انگلستان که می‌نوان به آن اشاره داشت عبارت‌اند از:

۲-۲-۱- قانون جرائم علیه شخص مصوب ۱۸۶۱^۱

در این قانون علاوه بر اعمال اصل صلاحیت شخصی فعال به اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل نیز اشاره شده است. در ماده ۹ این قانون در مورد قتل آمده است: «در مواردی که قتل در سرزمینی خارج از بریتانیا انجام شود، خواه در قلمرو ملکه باشد یا خارج از آن و خواه افراد کشته شده تابع انگلستان بوده باشند یا نه، و یا هر جرمی که توسط هر یک از رعایای پادشاهی انگلستان در رابطه با موارد مذکور انجام شود، در صورتی که این جرم به منزله قتل باشد، در انگلستان یا ایرلند با آن برخورد، محاکمه و تعیین مجازات می‌شود ... مشروط بر اینکه هیچ چیز مانع از محاکمه شخصی که در خارج از انگلستان یا ایرلند مرتکب قتل شده است، وجود نداشته یا در خارج از انگلستان محاکمه نشده باشد.» در این ماده به افراد کشته شده که تابعیت انگلیسی دارند اشاره شده که به جنبه منفعل این اصل تأکید دارد، همچنین منع محاکمه مجدد نیز مورد توجه قانونگذار می‌باشد.

آیین دادرسی کیفری جدید از قانون جرائم رایانه‌ای حذف و بدون کوچکترین تغییری عیناً در قالب ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عنوان شده است. بند «ت» این ماده درخصوص جنبه منفعل اصل صلاحیت شخصی مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارند: ... ت- جرائم رایانه‌ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از این که بزه دیده یا مرتکب ایرانی یا غیرایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود.»

در نهایت، قانون‌گذار موضوعه ایران در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل صلاحیت شخصی منفعل را پیش‌بینی کرده است. طبق این ماده، «هر گاه شخصی غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر این که: الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده، یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در مورد او اجرا نشده باشد. ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی و قانون محل وقوع جرم، جرم باشد.»

قانون‌گذار در مورد این اصل، پذیرش محدودیت‌های سه‌گانه‌ی، عدم رسیدگی غیابی، عدم محاکمه و مجازات مجدد و مجرمیت متقابل را مورد توجه قرار داده است، که عدم رسیدگی غیابی برای کلیه جرائم و عدم محاکمه و اجرای مجازات مضاعف و مجرمیت متقابل برای جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی است. لذا با توجه به این شروط سه‌گانه، قانون‌گذار محدودیت بیشتری برای اعمال این اصل قائل شده است (پوربافرانی، ۱۳۹۵: ۲۵).

همانگونه که گفته شد، در بررسی ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار در صدر این ماده، اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل را بدون قید و شرط برای همه

¹ - Offences against the Person Act 1861

۲-۲-۲ - قانون افراد تحت حمایت بین‌المللی مصوب ۱۹۷۸^۱

جرم موضوع ماده ۱ این قانون، درخصوص حمله و تهدید به افراد محافظت شده، بیان می‌دارد: «اگر شخصی، خواه شهروند بریتانیا و مستعمرات آن باشد یا نباشد، و در خارج از بریتانیا، هر عملی را نسبت به یک شخص تحت حمایت یا در رابطه با او انجام دهد که او را به جرایم قتل یا قتل غیرعمد، مقصر و متهم کند، اگر آن عمل را در هر بخشی از بریتانیا انجام می‌داد، او در آن بخش از بریتانیا مقصر ارتکاب به جرایم قتل یا قتل غیرعمد، می‌شد، که این عمل را اگر در خارج از انگلستان نیز انجام دهد، وی در آنجا مجرم می‌باشد.» از تحلیل این قانون این نتیجه حاصل است که اشاره به شخص غیرانگلیسی نیز شده است که مرتکب جرم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی گردد، در صلاحیت محاکم کیفری انگلستان می‌باشد.

۲-۲-۳ - قانون مبارزه با تروریسم مصوب ۱۹۷۸^۲

در این قانون بحث‌های کاربردی گسترده‌ای درخصوص جرایم ارتکاب یافته در خارج از قلمرو انگلستان درخصوص اصل صلاحیت شخصی در دو جنبه فعال و منفعل مطرح می‌باشد. در ماده ۴ این قانون درخصوص مجازات مرتکبین به جرم از جمله جرایم مندرج در بندهای ۱- قتل، ۲- قتل عام، ۴- آدم‌ربایی، ۵- حبس عمدی، ۱۱- گروگان‌گیری، ۱۳- ایجاد انفجار، ۱۴- استفاده از اسلحه این ماده ذکر شده است. مطابق قانون فوق‌الذکر دادگاه‌های انگلستان صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی مندرج در ماده ۴ این قانون را که بر اتباع در خارج از انگلستان ارتکاب یافته باشد، براساس اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل دارند.

۲-۲-۴ - قانون گروگان‌گیری مصوب ۱۹۸۲^۳

در ماده ۱ این قانون درخصوص جرم گروگان‌گیری آمده است: «اگر شخصی با هر ملیتی که داشته باشد، در انگلستان یا در هر جای دیگر، هر شخص دیگری را به گروگان بگیرد و به‌منظور

وادر کردن یک دولت، سازمان بین‌المللی دولتی یا شخصی به انجام یا خودداری از انجام آن، هر عملی که گروگان را تهدید به قتل، جراحت یا ادامه گروگان‌گیری کند، مرتکب جرم می‌شود.» کشور انگلستان در این قانون مطابق با اسناد بین‌المللی با رعایت اصل صلاحیت شخصی منفعل با مجرمین این‌گونه جنایت برخورد می‌کند. انگلستان حتی به‌عنوان یک طرف کنوانسیون بین‌المللی گروگان‌گیری مصوب ۱۹۷۹ پذیرفته است که صلاحیت قضایی براساس ملیت قربانی باشد. به‌عنوان مثال، مجلس اعیان انگلستان بدون هیچ‌گونه ملامتی پذیرفت که جمهوری فدرال آلمان می‌تواند استرداد یک تبعه انگلیسی را که متهم به عضویت در آدم‌ربایی یک تبعه آلمانی در کشور بولیوی است، بخواهد (Gilbert, 1992:418-419).

۲-۲-۵ - قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۹۸۲^۴

در این قانون به دادگاه‌های انگلیس، اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل اعطا شده است، به‌طوری‌که مطابق بند ۲ ماده ۹۴ این قانون درخصوص اختیارات فرمانده هواپیما آمده است: چنانچه فرمانده هواپیمایی در حال پرواز، در هرکجا که باشد، اگر یقین کند که الف - شخصی در حین پرواز در هواپیما عملی را انجام داده یا در شرف انجام آن باشد که ایمنی هواپیما یا افراد یا اموال داخل هواپیما را به خطر بیندازد یا مخل نظم و آسایش در هواپیما باشد، ب- یا اینکه شخص مورد نظر در حین پرواز در هواپیما اقدامی انجام دهد که طبق قانون کشوری که هواپیما در آن ثبت شده است، جرم جدی محسوب می‌شود، فرمانده هواپیما می‌تواند با رعایت بند ۴ (پس از اطلاع رسانی به مقام مناسب کشوری که هواپیما در آنجا فرود می‌آید)، اقدامات ضروری در جهت مهار آن شخص به‌منظور محافظت از ایمنی هواپیما یا افراد یا اموال داخل هواپیما و یا حفظ نظم داخلی هواپیما اتخاذ نموده و آن شخص را طبق ضوابط بند ۵ همین ماده در هر کشوری که هواپیما در آن باشد پیاده کند یا به پلیس مهاجرت در بریتانیا

1 - Internationally Protected Persons Act 1978

2 - Prevention of Terrorism Act 1978

3 - Taking of Hostages Act 1982

4 - Civil Aviation Act 1982

کشوری مصوب ۱۳۲۸ و قانون الحاق ایران به کنوانسیون مذکور مصوب ۱۳۵۵ و در حقوق جزای انگلستان به قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۹۸۲ اشاره نمود.

کنوانسیون منع و مجازات علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک مصوب ۱۹۷۳، که به کنوانسیون نیویورک نیز معروف است، درخصوص جرایم ارتكابی علیه افراد مورد حمایت بین‌المللی در ماده ۱ اعلام می‌دارد، منظور از «شخص مورد حمایت بین‌المللی» اشخاصی چون رئیس کشور، رئیس دولت، وزیر امور خارجه و خانواده همراه آن‌ها در هنگام سفرهای خارجی و همچنین نمایندگان یا کارمندان و شخصیت‌های رسمی هر کشور و یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور یکی از سازمان‌های بین‌المللی و خانواده آن‌ها است که براساس ماده ۲ این کنوانسیون هرگونه ارتكاب عمدی به قتل و آدم‌ربایی یا حملات دیگر علیه شخص یا آزادی شخص مورد حمایت، یا حمله خشونت‌آمیز به امکان رسمی و محل سکونت و یا وسیله نقلیه این اشخاص و یا تهدید یا شروع به ارتكاب و یا مداخله و معاونت در ارتكاب این اعمال، براساس قوانین داخلی هریک از کشورهای عضو، جرم محسوب می‌گردد. قوانین منطبق با این کنوانسیون در حقوق جزای ایران، قانون الحاق ایران به این کنوانسیون مصوب ۱۳۵۷ و در جزای انگلستان، قانون افراد تحت حمایت بین‌المللی مصوب ۱۹۷۸ می‌باشد.

کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری مصوب ۱۹۷۹، نیز درخصوص جرم گروگان‌گیری در بند ۱ ماده ۱ مقرر می‌دارد: «هرشخصی که به توقیف یا بازداشت و تهدید به کشتن، مصدوم کردن یا ادامه توقیف شخص دیگر (که از این پس به‌عنوان گروگان نامیده می‌شود) به‌منظور وادارکردن شخص ثالثی یعنی یک کشور، سازمان بین‌الدولی بین‌المللی، شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از افراد جهت انجام یا پرهیز از انجام اقدامی به‌عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی گروگان مبادرت نماید، در چارچوب مفهوم این کنوانسیون مرتکب جرم گروگان‌گیری

و یا در هر کشور دیگری که یکی از کشورهای کنوانسیون است، به افسری که وظایفی مطابق با وظایف پلیس یا مأمور مهاجرت در بریتانیا دارد، تحویل دهد.

۲-۲-۶- قانون مبارزه با تروریسم (جرایم و امنیت) مصوب ۱۴۰۱

در بند ۲ ماده ۱۱۳ این قانون درخصوص اقدام تروریستی با تأکید بر اصل صلاحیت شخصی منفعل اعلام می‌دارد: «در صورتی که اقدامی انجام شود که: الف- باعث خشونت جدی علیه شخصی در هر نقطه از جهان شود؛ ب- باعث آسیب جدی به اموال یا شخصی در هر نقطه از جهان شود؛ ج- جان انسان را به خطر اندازد، یا خطر جدی برای سلامت یا ایمنی مردم ایجاد کند؛ یا د- در افراد جامعه این ترس را ایجاد کند که این عمل احتمالاً جان آنها را به خطر انداخته یا خطر جدی برای سلامت و ایمنی آنها دارد...» این رفتار مجرمانه علیه شخص یا اشخاص تحت اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل خواهد بود.

۲-۳- در اسناد بین‌المللی

اصل صلاحیت شخصی منفعل از نظر بین‌المللی، با هدف اعطاء صلاحیت خارج از سرزمین به کشورها برای حمایت از اتباع خود که در خارج از قلمرو قربانی جرم شده باشند، به رسمیت شناخته شده و در قراردادهای بین‌المللی گنجانده شده‌است. عمدتاً اعمال این صلاحیت در جرایم تروریستی مورد قبول جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. برخی قوانین مرتبط با این اصل در اسناد بین‌المللی عبارتند از:

کنوانسیون مربوط به جرایم و برخی اعمال ارتكابی در هواپیما مصوب ۱۹۶۳^۱ که کنوانسیون توکیو نیز نامیده می‌شود. در بند «ب» ماده ۴ این کنوانسیون درخصوص اعمال صلاحیت جزایی کشورها در مورد جرایم ارتكابی در داخل هواپیما مقرر می‌دارد: «... ب- جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتكاب یافته باشد.» قوانین منطبق با این کنوانسیون در حقوق جزای ایران می‌توان به قانون هواپیمایی

1 - Anti-terrorism, Crime and Security Act 2001

2 - Convention on offences and certain other acts committed on Board aircraft available 1963

است.» و در حقوق جزای انگلستان به بخش‌های ۱۳۴ و ۱۳۵ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸ درخصوص شکنجه در خارج از کشور می‌توان اشاره کرد که با هدف اعمال مقررات کنوانسیون مذکور تصویب شده است.

کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از بمب‌گذاری تروریستی مصوب ۱۹۹۷ به‌منظور جلوگیری از بمب‌گذاری به‌عنوان یکی از شیوه‌های معمول تروریسم که با هدف آدم‌کشی، تخریب اموال و اماکن و ایجاد رعب و وحشت انجام می‌شود، با تأکید بر اعمال اصل صلاحیت شخصی می‌باشد. طبق بند ۲ ماده ۶ این کنوانسیون: «هریک از کشورهای عضو نیز در صورتی می‌توانند در مورد چنین جرایمی اعمال صلاحیت نمایند که: الف- جرم ارتكابی بر علیه یکی از اتباع آن کشور صورت گرفته باشد؛ ب- جرم علیه یکی از اماکن دولتی یا مربوط به آن کشور در خارج، مانند سفارتخانه یا اماکن دیپلماتیک یا کنسولی آن کشور ارتكاب یافته‌باشد؛ ... د- جرم ارتكابی در نتیجه تلاش برای اجبار آن کشور به انجام یا عدم انجام امری صورت یافته باشد؛ ه- جرم در هواپیمایی که تحت نظر دولت آن کشور هدایت می‌گردد، ارتكاب یافته باشد؛...» قوانین منطبق با آن در حقوق جزای ایران جزء «ذ» بند ۴ ماده ۱ قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی مصوب ۱۳۸۷ که جرایم مندرج در کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون مذکور را از جرایم تروریستی محسوب می‌نماید، به جز مواردی که قوانین کشورهای متعاقد آنها را مستثنی نموده یا آنها را تصویب نکرده است و در حقوق جزای انگلستان به قوانین مبارزه با تروریسم از جمله قانون مبارزه با تروریسم ۲۰۰۱ می‌توان اشاره کرد.

کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از تأمین مالی تروریسم مصوب ۲۰۰۰ نیز با هدف ممانعت از هرگونه کمک‌های مالی به افراد و گروه‌های تروریستی، مانع تقویت آن‌ها در نتیجه گسترش فعالیت‌های تروریستی می‌گردد. براساس این کنوانسیون: «هر شخصی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه‌ای را به قصد استفاده در جهت ارتكاب جرایم مندرج در یکی از کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم فراهم یا تحصیل کند، یا

شده‌است.» همچنین مطابق ماده این کنوانسیون، «هر کشور عضو کنوانسیون در صورت لزوم باید تدابیری را برای احراز صلاحیت خود برای هر یک از جرایم مندرج در ماده ۱ که در موارد ذیل رخ داده، اتخاذ کند: ... ج- به‌منظور وادار ساختن آن کشور به انجام یا اجتناب از انجام هر اقدامی، یا د- درخصوص گروگانی که تبعه آن کشور است و در صورت صلاح‌دید آن کشور.» قوانین منطبق با این کنوانسیون در حقوق جزای ایران، قانون الحاق ایران به این کنوانسیون مصوب ۱۳۸۵ و در حقوق جزای انگلستان، قانون گروگان‌گیری ۱۹۸۲ می‌باشد.

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه مصوب ۱۹۸۴، نیز درخصوص اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل در ماده ۵ مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو کنوانسیون، اقداماتی را که ممکن است برای احراز صلاحیت قضایی خود بر جرایم موضوع ماده ۴ در موارد زیر لازم باشد اتخاذ خواهد کرد: ... ج- هنگامی که قربانی تبعه آن کشور باشد در صورتی که آن دولت آن را مناسب بداند.»^۲ بنابراین، کشورهای عضو مطابق بند «ج» ماده ۵، صلاحیت رسیدگی به جرایم مندرج در ماده ۴ این کنوانسیون را، که بر تبعه آن‌ها واقع شده باشد، به جهت اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل خواهند داشت. قوانین منطبق با آن در حقوق جزای ایران می‌توان به ماده ۷ قانون الحاق ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴ اشاره داشت که مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع

^۱ - مطابق ماده ۴ کنوانسیون موضوع جرائم عبارتند از: ۱- هر کشور عضو مراقبت به عمل خواهد آورد تا کلیه اشکال شکنجه در قانون جزای آن کشور عنوان مجرمانه داشته باشد. شروع به ارتكاب شکنجه و معاونت یا مشارکت در آن نیز تابع همین حکم است. ۲- هر کشور عضو با تعیین مجازات‌های متناسب با طبع سنگین این جرائم، ارتكاب این‌گونه بزه‌ها را قابل مجازات اعلام خواهد کرد.

^۲ - Exploring the Boundaries International Law/ Content - Section - 4.3.3, Passive Personality, See at: <https://www.open.edu/openlearn/society-politics-law/>, (2021/04/05)

مقررات ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استثناء می‌شد. با کمال تعجب کم‌اهمیت‌ترین جرم تعزیری نیز مشمول مقررات ماده ۸ قرار گرفته است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

در حقوق جزای انگلستان جرایم مهم از قبیل گروگان‌گیری، قتل، آدم ربائی، استفاده از مواد منفجره و امثالهم مورد اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل می‌باشد. در حال حاضر معاهدات مربوط به جنبه‌های مختلف تروریسم در مواردی که اصل صلاحیت شخصی منفعل را پذیرفته‌اند، مورد پذیرش حقوق جزای انگلستان نیز قرار گرفته‌است.

در اسناد بین‌المللی نیز در بحث اصل صلاحیت شخصی منفعل جرایم مهم مورد توجه جامعه بین‌المللی می‌باشد. این جرایم در کنوانسیون‌های مختلف از جمله جرایم ارتكابی در هواپیما مربوط به کنوانسیون توکیو مصوب ۱۹۶۳، جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مربوط به کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۷۳، جرایم مربوط به کنوانسیون بین‌المللی برضد گروگان‌گیری مصوب ۱۹۷۹ و جرایم مربوط به جنبه‌های مختلف تروریسم می‌باشد.

با توجه به اینکه در حقوق جزای ایران تمامی جرایم از جمله جرایم خفیف و شدید طبق ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشمول اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل بوده ولی در حقوق جزای انگلستان همانند قوانین و مقررات بین‌المللی صرفاً جرایم مهم که در بالا به آن اشاره شده است، مشمول اصل صلاحیت شخصی منفعل می‌باشد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که حقوق جزای انگلستان درخصوص نوع جرم با اسناد بین‌المللی از مطابقت بیشتری برخوردار است.

۳-۲- از لحاظ مجرمیت متقابل

در حقوق جزای ایران به موجب بند «ب» ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صلاحیت دادگاه‌های ایران مشروط به این است که رفتار ارتكابی در جرایم مستوجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل

برای انجام عملی که هدف از آن کشتن یا ایراد آسیب بدنی به یک شهروند یا شخصی است که در مخاصمات مسلحانه نقشی ندارد، تسهیلات مالی فراهم کند و یا با انگیزه تهدید و ارباب مردم یا مجبور ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا عدم انجام یک عمل چنین اقدامی صورت دهد، مجرم شناخته می‌شود.» قوانین مرتبط با آن در حقوق جزای ایران، می‌توان به بند ۱ از ۲ (الف) ماده ۳ قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی مصوب ۱۳۸۷ که تأمین مالی یا اراده هرگونه تسهیلات به اقدامات تروریستی را منع کرده‌است اشاره نمود و در حقوق جزای انگلستان نیز از جمله به قوانین مبارزه با تروریسم ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ می‌توان اشاره داشت.

۳-۳- شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای ایران و انگلستان

از آنجا که کشورها به‌منظور حمایت از اتباع بزه‌دیده خود در خارج از محدوده کشور، اصل صلاحیت شخصی منفعل را به رسمیت شناخته‌اند، لذا پذیرش این اصل منوط به شرایطی است که در ذیل به این شرایط در حقوق جزای ایران و انگلستان با نگاهی بر اسناد بین‌المللی پرداخته شده است.

۳-۱- از لحاظ نوع جرم

مطابق ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کلیه جرایمی که در خارج از کشور بر روی تبعه ایرانی واقع گردد مستوجب اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل می‌باشد. به نظر می‌رسد شمول کلیه جرایم در این ماده عاری از اشکال نباشد. با توجه به اینکه جرایم بسیار سبک، هزینه‌های بسیاری برای کشور اعمال‌کننده صلاحیت دربرداشته و باعث اطاله دادرسی و تورم کیفری می‌گردد، ملموس‌تر خواهد شد. در قانون بسیاری از کشورها اعمال صلاحیت به اعتبار اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در مورد جرایم کم‌اهمیت پذیرفته نشده‌است و جرم ارتكابی علیه تبعه باید از جرایم مهم باشد که کشور متبوع هزینه تعقیب آن را تقبل کند. بنابراین بهتر بود که جرایم سبک و کم‌اهمیت از شمول

وقوع، جرم باشد. نکته قابل توجه این است که نیازی نیست که رفتار مجرمانه در هر دو کشور تحت عنوان مجرمانه واحد، مثل سرقت، کلاهبرداری، جرم‌انگاری شده باشد، بلکه ممکن است رفتار مورد بحث در ایران دارای عنوان مجرمانه خاص و در کشور محل وقوع به عنوان مجرمانه دیگری مشمول مجازات شود. این امر مانع اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران نیست، بنابراین صرف جرم بودن عمل شرط است نه وحدت عنوان مجرمانه (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

در حقوق جزای انگلستان چنین صلاحیتی در مورد برخی از جنایات بسیار مهم در مطابقت با حقوق جزای بین‌الملل که در معاهدات مختلف تعیین شده‌است، مورد اتخاذ می‌باشد. این جرایم از جمله جرایمی است که طبق اسناد بین‌المللی می‌بایست در تمام کشورها جرم تلقی گردد، که مشمول مجرمیت متقابل می‌باشد.

اسناد بین‌المللی مرتبط با شرط مجرمیت متقابل، کنوانسیون‌های مختلف از جمله کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری مصوب ۲۰۰۰، کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری مصوب ۱۹۷۹ و جرایم تروریستی که هم توسط قطعنامه الزام‌آور شماره ۱۳۷۳ جرم‌انگاری شده و هم در اسناد سیزده‌گانه بین‌المللی راجع به تروریسم آنرا جرم دانسته‌اند. همچنین در جرایم ارتكابی در هواپیما در کنوانسیون توکیو مصوب ۱۹۶۳ مجرمیت متقابل شرط اعمال صلاحیت شخصی منفعل می‌باشد. بنابراین شرط مجرمیت متقابل در حقوق جزای دو کشور ایران و انگلستان پذیرفته شده است که با اسناد بین‌المللی مطابقت دارد، با این توضیح که در حقوق جزای ایران درخصوص جرایم مستوجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی نوع مجازات متفاوت است.

۳-۳- حضور متهم به کشور متبوع

در حقوق جزای ایران در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان مستند اعمال اصل صلاحیت شخصی

منفعل، صلاحیت محاکم ایران را منوط به یافت و یا اعاده شدن متهم به ایران می‌داند. حال حضور متهم در قلمرو سرزمینی کشور متبوع مجنی‌علیه، در عمل می‌تواند به صورت ارادی یا غیرارادی و همچنین در چارچوب قواعد مربوط به استرداد یا مواردی مثل قرار جلب اروپایی، صورت گیرد (شکفته‌گوهری، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۰). همچنین قانونگذار با تأکید بر عبارت «رسیدگی» بعد از عبارت «یافت یا اعاده» متهم در ماده ۸ قانون مذکور، محاکمه غیابی را نیز نپذیرفته است و شرط رسیدگی و محاکمه مجرم را مستلزم یافت یا اعاده شدن متهم به ایران می‌داند.

لازم به توضیح است که اعمال این اصل در ایران با مشکلاتی از جمله عدم دسترسی به ادله جرم و معاینه محلی، نواقص و ابهامات در شرایط و مقررات استرداد مجرمین و شفاف نبودن چگونگی اعلام شکایت مواجه می‌باشد که نیازمند مرجع قضایی تخصصی که در راستای اسناد بین‌المللی باشد به این اصل عمل نمایند.

در حقوق جزای انگلستان مطابق بند ۴ ماده ۹۲ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۹۸۲، صلاحیت شخصی منفعل به دادگاه‌های انگلیس با توجه به اصول مختلف صلاحیت، اعطا شده است. همانطوری که انگلستان عضو کنوانسیون استرداد ۱۹۵۷ اروپا می‌باشد، این امکان را دارد که به جای پیگرد قانونی، مجرم را استرداد کند، و در صورت عدم استرداد موجب فرار از عدالت، در مورد مجرم فراری می‌شود. بنابراین انگلستان نیز شرط محاکم متهم را منوط به حضور وی در کشور یا استرداد متهم به کشورش می‌داند و شرط محاکمه غیابی را نپذیرفته است. بنابراین در حقوق جزای هر دو کشور ایران و انگلستان مراجعت متهم به صورت ارادی و غیرارادی قانونی مورد پذیرش قانونگذاران بوده و محاکمه غیابی پذیرفته نشده‌است که در تطابق با اسناد بین‌المللی نیز می‌باشد.

۳-۴ - عدم رسیدگی قبلی

در حقوق جزای ایران در بند «الف» ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، درخصوص شرط عدم رسیدگی قبلی آمده است: «متهم در جرایم تعزیری در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در باره او اجرا نشده باشد.» که با توجه به این بند، قانون‌گذار شرط عدم رسیدگی و مجازات قبلی را صرفاً در جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی پذیرفته است.^۱ ولی در جرایم مستوجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی مورد پذیرش قانونگذار نمی‌باشد.

در حقوق جزای انگلستان درخصوص شرط عدم رسیدگی قبلی، می‌توان به موضوع محاکمه دو شهروند بریتانیایی اشاره کرد، در این خصوص اگر ایالات متحده آمریکا بتواند دو شهروند بریتانیایی را به دلیل توطئه در لندن برای واردات ماری‌جوانا به ایالات متحده تحت تعقیب قراردهد، باید بتواند یک تبعه بریتانیایی را که یک شهروند ایالات متحده را در لندن به قتل رسانده، محاکمه کند. اگرچه در هر دو مورد، مقامات انگلیسی باید عدم پیگرد قانونی داشته باشند. اگر در هریک از این موارد انگلیسی‌ها پیگرد قانونی داشته باشند، قانون معاهده استرداد مجرم، ایالات متحده را برای محاکمه مجدد مجرم در مورد همان جرایم منع می‌کند. (Watson, 1993: 5-20). بنابراین، شرط عدم رسیدگی قبلی برای کلیه جرایم مشمول این اصل قابل اجرا می‌باشد.

در اسناد بین‌المللی منطبق با این شرط می‌توان به ماده (۷) ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۹۶ که اعلام می‌دارد: «هیچ کسی را نمی‌توان به خاطر جرمی که وی قبلاً به موجب یک حکم نهایی و براساس قوانین و آیین دادرسی یک کشور از ارتکاب آن تبرئه یا به خاطر آن محکوم شده است، مجدداً مورد تعقیب یا مجازات قرار داد.» و همچنین اساسنامه

دادگاه بین‌المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ اشاره نمود. به نظر می‌رسد، در اعمال شرط عدم رسیدگی قبلی، حقوق جزای انگلستان با اسناد بین‌المللی مطابقت بیشتری دارد.

۳-۵ - عدم اجرای مجازات مجدد

در حقوق جزای ایران، این شرط نیز مانند شرط قبلی مطابق بند «الف» ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صرفاً در جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی پذیرفته شده است که این امر مانع رسیدگی مجدد در ایران است. زیرا شخص را نمی‌توان هم زمان برای ارتکاب یک عمل در دو مرجع تحت تعقیب قرار داد. همچنین با توجه به موضوع «چنانچه متهم در ایران یافت یا اعاده شود»، امکان محاکمه غیابی در این اصل، مورد پذیرش قانونگذار نمی‌باشد. نکته‌ای که در ماده ۸ به آن توجه نشده، رسیدگی و محاکمه در دادگاه‌های صالح خارج از محل وقوع جرم است. زیرا به موجب این بند، اعتبار امر مختومه منحصر شده است به این که متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه شده باشد؛ در صورتی که ممکن است متهم در دادگاه کشورهای دیگر یعنی کشوری غیر از کشور محل وقوع جرم به اعتبار صلاحیت جهانی یا صلاحیت واقعی محاکمه شده باشد. علاوه بر این ممکن است جرم انتسابی از جمله جنایات مهم بین‌المللی نیز محسوب شود و قابل رسیدگی در دادگاه‌های بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی^۲ باشد، که این وضعیت نیز در ماده ۸ با سکوت مواجه است. به نظر می‌رسد علی‌رغم عدم تصریح به این وضعیت، در ماده ۸ قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در این حالت نیز مانع از تعقیب مجدد مرتکب جرایم تعزیری در دادگاه‌های ایران باشد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۴).

در حقوق جزای انگلستان مقررات کلی در مورد جرایم ارتكابی در خارج از کشور ندارد. این گونه جرایم فقط در صورتی قابل پیگرد قانونی هستند که در قانون مقرر شده

۱- تبصره ۲ ماده ۱۱۵، اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند ب ماده ۷ و بندهای الف و ب ماده ۸ مواد ۷، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۹۳، و ۱۰۵ این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

باشد. به عنوان مثال، برخی از جرایم جنسی علیه خردسالان نیز ممکن است تحت پیگرد قانونی قرار گیرند، حتی اگر مجرم یک خارجی باشد، مشروط بر اینکه چنین فردی مقیم بریتانیا باشد و شرط جرم مضاعف را رعایت کند. صلاحیت جهانی نیز تنها در صورتی می تواند اعمال شود که مقررات صریح در قوانین موضوعه برای انجام آن وجود داشته باشد (Curran, 2017: 1).

در اسناد بین المللی مرتبط با آن نیز می توان به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۹۶ اشاره نمود. در بند ۷ ماده ۱۴ این میثاق آمده است: «هیچ کس را نمی توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.» که علاوه بر اعمال شرط عدم رسیدگی قبلی، به عدم اجرای مجازات مجدد نیز تأکید دارد.

بنابراین در حقوق جزای انگلستان و اسناد بین المللی شرط عدم اجرای مجازات مجدد درخصوص جرایمی که در قوانین و مقررات بین المللی جرم جدی و مهم محسوب می گردند، پذیرفته شده و چنانچه متهم در کشور محل وقوع جرم یا دادگاه های صالح خارج از محل وقوع جرم، محاکمه و مجازات شده و یا بخشی از مجازات متحمل شده باشد، مجازات وی قابل احتساب در کشور متبوع مجنی علیه خواهد بود. ولی در حقوق جزای ایران شرط عدم اجرای مجازات مانند شرط عدم رسیدگی قبلی، صرفاً در جرایم تعزیرات غیرمنصوص شرعی پذیرفته شده است.

نتیجه گیری

اصل صلاحیت شخصی منفعل برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. از نقاط قوت اقدام قانون گذار در مورد این اصل، پذیرش محدودیت های از قبیل، عدم رسیدگی قبلی، عدم اجرای مجازات مضاعف و مجرمیت متقابل برای اعمال این

اصل است؛ ولی این شروط صرفاً در جرایم موجب تعزیر مورد پذیرش قانون گذار می باشد. درخصوص شرط مجرمیت متقابل نیز می توان گفت هنگامی که جرم ارتكابی در زمان رسیدگی در ایران جرم محسوب گردد، قابل محاکمه خواهد بود و چنانچه در هنگام رسیدگی از عمل ارتكابی جرم زدایی شده باشد، قابل محاکمه نخواهد بود. لکن چنانچه در زمان رسیدگی به جرم در ایران، از عمل ارتكابی در محل وقوع، جرم زدایی شده باشد کماکان قابل محاکمه در ایران می باشد. همچنین در مورد اتباع ایران که در خارج از کشور علیه آنان جرم واقع شده باشد علاوه بر حمایت سیاسی که به عهده وزارت امور خارجه است، حمایت کیفری از آنان نیز به عهده سیستم قضایی کشور است.

حقوق جزای انگلستان، این اصل را درخصوص برخی جرایم مهم از قبیل گروگان گیری، قتل، آدم ربایی، استفاده از مواد منفجره و امثالهم در راستای تطابق با قوانین و مقررات بین المللی، مورد پذیرش قرار داده است و برای اعمال این اصل با استناد به قوانین و مقررات بین المللی از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه مصوب ۱۹۸۴، قانون افراد تحت حمایت بین المللی مصوب ۱۹۷۸، قانون گروگان گیری مصوب ۱۹۸۲، قانون هواپیمایی مصوب ۱۹۸۲ و معاهدات مربوط به جنبه های مختلف تروریسم اشاره نمود.

از موارد تطبیق حقوق جزای ایران با انگلستان و اسناد بین المللی می توان به شرایط اعمال این اصل اشاره نمود که شرط عدم رسیدگی قبلی یا منع محاکمه مجدد در قانون ایران فقط درخصوص جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی مورد پذیرش واقع شده است، ولی در حقوق جزای انگلستان، شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل درخصوص کلیه جرایم مهم مشمول این اصل مورد پذیرش قانون گذار می باشد. عدم پذیرش این شرط در حقوق جزای ایران درخصوص جرایم مشمول حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۵). «مبانی و تحولات اصول صلاحیت مبتنی بر رابطه تابعیت». مجله پژوهش حقوق کیفری، ۱۷: ۹-۳۰.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۸۳). حقوق کیفری بین‌الملل. جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
- دوندیو، دووابر (۱۳۶۸). رساله حقوق جنایی و قانون‌گذاری جزایی. ترجمه علی آزمایش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاکری، ابوالحسن و خان‌احمدی، حسن (۱۳۹۵). «بررسی صلاحیت دادگاه‌های ایران نسبت به جرایم تبعه غیرایرانی علیه ایرانی در خارج از ایران (صلاحیت شخصی منفعل در حقوق ایران)». مجله پژوهش حقوق کیفری، ۱۶: ۷۰-۹۳.
- شکفته‌گوهری، معصومه (۱۳۹۴). مبانی، شرایط و آثار اصل صلاحیت شخصی در قوانین کیفری ایران. به راهنمایی دکتر حسن جانی‌پور، رشت: دانشگاه گیلان.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). «اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده در قوانین کیفری ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۹۷: ۱۱۳-۱۴۱.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۰). حقوق جنایی. جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
- میرمحمدصادقی، حسین و ایزدی‌ار، علی (۱۳۹۲). «صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه با تأکید بر قانون جدید مجازات اسلامی». مجله آموزه‌های حقوق کیفری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره (۵): ۳-۳۷.
- والاس، ربکا (۱۳۷۸). حقوق بین‌الملل. ترجمه محمد شریف، جلد اول، تهران: انتشارات نی.
- شرعی یک ایراد و نقص می‌باشد، لذا از این حیث نیاز به اصلاح دارد. بنابراین در پاسخ به سؤال اول تحقیق، درخصوص شرایط اعمال این اصل، حقوق جزای انگلستان نسبت به حقوق جزای ایران با اسناد بین‌المللی از تطابق بیشتری برخوردار است. همچنین در پاسخ به سؤال دوم، به موجب این اصل، اگر علیه یک تبعه ایرانی، هر یک از جرایم مستوجب مجازات حد، قصاص، دیه و جرایم تعزیری منصوص شرعی (با لحاظ تبصره ۲ ماده ۱۱۵)، ارتکاب یابد، محاکم ایران بدون رعایت شروط مورد توافق جامعه بین‌المللی خود را صالح به رسیدگی می‌دانند و محاکمه و مجازات قبلی مورد توجه محاکم ایرانی نخواهد بود، ولی درخصوص جرایم تعزیری غیرمنصوص شرعی، چنانچه مرتکب خارجی در محل وقوع جرم، محاکمه شده و طبق نظر موافق مقامات ذیصلاح خارجی کلاً یا بعضاً مجازات نشده باشد، با شرط مجرمیت متقابل، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. همچنین، در بحث شرط محاکمه غیابی در اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل در حقوق جزای هر دو کشور مورد پذیرش قانون‌گذاران نمی‌باشد.
- ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.
- تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.
- سهم نویسندگان:** نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر آن برعهده سایر نویسندگان بوده است.
- تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

ب. منابع انگلیسی

- Geoffrey. W (1993). «The Passive Personality Principle». *Texas International Law Journal*. 28(1): 1-46.
- Gilbert, G (1992). «Crimes sans Frontiers: Jurisdictional Problems in English Law». *British Yearbook of International Law*. 63 (1): 415-442.

- Curran, J (2017). «Comparative for Offences Comparative Study of National Legal Frameworks Governing: Accountability for Offences Committed Abroad and/or on UN Missions». *Swiss Institute of Comparative Law*. See at: <http://www.e-collection.isdc.ch/>